

# هفتمین نشست تخصصی فقه شهر و شهرنشینی در قالب کرسی ترویجی، عرضه و نقد ایده علمی با عنوان: چالش‌های رویکرد تنجیزی فقهی در حل مسائل فقه شهر

مصطفی درّی

## چکیده

مسائل فقه شهر را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد. دسته اول، به مبادی و مسائل عمومی فقه شهر می‌پردازد. دسته دوم نیز مسائل مختص به حوزه‌های مختلف فقه شهر است، حوزه‌هایی از قبیل حمل‌ونقل و ترافیک، عمران و شهرسازی، خدمات شهری، فرهنگی و اجتماعی و ... .

در این نشست، به بخش اول از این چالش‌ها پرداخته می‌شود.

### ۱. مشروعیت قوانین مصوب توسط کارگزاران حکومتی

قید الزامی «مشروعیت» قانون در لزوم اطاعت از آن، عملاً موجب می‌شود که برخی از قوانین از نظر متشرعین و یا حداقل مقلدین برخی از مراجع، لازم‌الاتباع نباشد.

### ۲. مالکیت معنوی

اکثر فقهای سنتی، مالکیت معنوی را به رسمیت نمی‌شناسند. همین امر موجب می‌شود علاقه‌ای برای تولید ایده‌های خلاق در میان شهروندان و مدیران شهری وجود نداشته باشد.

### ۳. به رسمیت شناخته نشدن شخصیت حقوقی

به رسمیت نشناختن شخصیت حقوقی توسط بسیاری از فقها، موجب تبدیل اموال دولتی و عمومی به «مجهول‌المالک» می‌گردد. مجهول‌المالک شدن این اموال اما چالش‌های فراوانی را به دنبال دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: مشروعیت دستبرد به اموال دولتی تحت عنوان «لقطه»، عدم لزوم تبعیت از قانون در رابطه با اموال دولتی و ... .

### ۴. رانت اطلاعاتی

یکی از مهم‌ترین مصادیق رانت اطلاعاتی، در شهرداری‌ها و به واسطه اطلاعات مدیران شهری از تغییرات کاربری زمین‌ها و افزایش و کاهش قیمت ساختمان‌ها به جهت طرح‌های شهرداری رخ می‌دهد.

### ۵. رشوه

مشهور فقها، رشوه را تنها به قاضی جور حرام می‌دانند. لذا در رابطه با سایر انواع رشوه، مثل رشوه به مدیران شهری، غالباً فتوای قاطع و روشنی نمی‌دهند.

### ۶. هدیه به مسئولین

هدیه به مسئولین از جمله مدیران شهری، از امور مرسوم برای به راه انداختن کارها است. این هدایا البته همواره در مقابل انجام کاری خلاف قاعده صورت نمی‌گیرد، بلکه در ظاهر، بدون عوض انجام می‌گردد، ولی در واقع، مانع از انجام رفتار مدیریتی قاطعانه از جانب مسئول هدیه‌گیرنده در رابطه با فرد هدیه‌دهنده می‌گردد.

## ۷. جواز تقاص شخصی

بسیاری از فقها، تقاص در مقابل مالی که به‌زعم فرد تقاص کننده، از وی غصب شده است را جایز می‌دانند. این امر موجب می‌شود که افراد به‌صرف تصور ناعادلانه بودن حکم شهرداری، نسبت به تقاص از اموال عمومی و دستبرد به آن‌ها، اقدام کنند.

## ۸. ضمان خطاهای مدیریت شهری

غالب فقها، موضوع ضمان را به‌مقتضای قاعده «من أتلف مال الغير فهو له ضامن»، «استناد» عمل به شخص دانسته و عمد و سهو وی را در حکم به ضمان دخیل نمی‌دانند. این امر موجب می‌شود که خطاهای قصوری مدیریت شهری (شورای شهر و شهرداری) در جعل قوانینی که در آینده، نادرستی آن‌ها روشن می‌شود، موجبات ضمان شهرداری را نسبت به ضرردیدگان فراهم سازد.

## ۹. نادیده گرفتن حقوق شهروندان غیرمسلمان

از آنجاکه در فقه شیعی، کفار حقوق خاصی ندارند و تنها ذمیان از ایشان، در امان شیعیان هستند و اموال و جانشان محترم است، لذا عناوینی همچون «حرمت ایذاء مؤمن» و «حرمت اهانت به مؤمن»، شامل کفار نشده و لزومی در رعایت قوانینی که موجب ایذاء یا هتک آن‌ها می‌شود، از جانب شهروندان مسلمان وجود ندارد.

## ۱۰. تعارض منافع عمومی و حقوق فردی

در مواردی که منافع عمومی با حقوق فردی تعارض پیدا می‌کند، مانند آنجایی که کاهش آلودگی متوقف بر تغییر کاربری یک منطقه یا فروش اجباری املاک افراد به شهرداری باشد، طرفداران فقه «فرد محور»، حکم به لزوم رعایت حقوق فردی می‌دهند، درحالی‌که با این حکم، عملاً راه برای تحقق منافع عمومی به خطر می‌افتد.

## ۱۱. تجویز توریه

تجویز توریه از سوی غالب فقهای شیعه، موجب ایجاد جو بی‌اعتمادی بین شهروندان و مدیریت شهری و همچنین کارکنان مدیریت شهری می‌گردد.

## ۱۲. استفاده از جایگاه برای توصیه افراد برای گمارده شدن به مسؤولیت‌ها

توصیه آشنایان توسط مدیران شهری برای تصدی مسؤولیت‌های مختلف شهر، گاهی منجر به تصدی مسؤولیت توسط فرد نالایقی می‌شود که در این صورت ممکن است فقه سنتی با تمسک به قواعدی از قبیل «حرمت اعانه بر اثم»، این‌گونه توصیه‌ها را حرام بشمارد؛ اما توصیه‌ها همیشه به این نحو نیستند، بلکه گاهی فرد توصیه‌شده اتفاقاً فرد لایقی است، لکن موجب از بین رفتن امکان رقابت سالم بین کاندیداهای تصدی پست فوق می‌گردد.

## ۱۳. جرائم دیرکرد عوارض و مطالبات شهرداری از افراد و نهادها

غالب فقهای شیعه، جریمه دیرکرد را نامشروع می‌دانند. این در حالی است که عدم دریافت این‌گونه جرائم، موجب کاهش میل شهروندان به پرداخت به‌موقع عوارض شهرداری و بالتبع، عدم تحقق بودجه شهرداری در موعد مقرر می‌شود.

## ۱۴. خلف وعده

به نظر بسیاری از فقها، خلف وعده مادامی‌که در ضمن عقدی لازم نباشد، حرام نیست. با این وصف دیگر نمی‌توان نه به وعده‌های مدیران شهری اعتنا کرد و نه به التزامات ابتدایی مراجعین به ایشان.